

توسعه به سود چه کسانی است؟

آلفونسو کاستیلو*

ترجمه فرزانه بابایی



- Women Development Workers'
Implementing Rural Credit Programmes in Bangladesh
- Anne Marie Goetz
- New Delhi Sage Publications
- 2001, 444 pp.

توجهی در نتایج را در پی داشته باشد. فرض بر این است که کارگران زن برای پرداختن به مسائل نابرابریهای جنسی مناسب‌ترند که البته همیشه هم به این صورت نیست. ۴. مدیریت سازمانی در ایجاد تغییرات واقعی برای برابری جنسی نقش دارد. گفتمان جنسی مورد پذیرش دو نهاد مورد مطالعه در اینجا گفتمانی بسیار «مدرن» به نظر می‌رسد، اما نحوه سازماندهی آنها آشکار می‌سازد که این گفتمان به تمام سطوح نهادها سرایت نکرده است. این سازمانها را باید نهادهایی «دارای ایدئولوژیها، فرهنگها، ساختارها و نتایج جنسی تلقی کرد.» (صفحه ۳۰۸).

۵. باید توجه خاصی به اهمیت اختیارات داده شده به کارگران توسعه مبذول شود. وقتی اختیارات، محلی از اعراب ندارند، مناسبات جنسی نابرابر در میان مردان و زنان کارگر به وجود می‌آید. با این حال، وقتی اختیارات نه تنها مجاز بلکه مورد تشویق نیز باشد، زنان کارگر در مورد برابری جنسی نتایج بهتری به دست می‌آورند.

۶. مقبولیت عام برنامه‌های مالی خرد مرهون پذیرش آنها در جوامعی است که در آن اجرا می‌شوند.

عدم مقاومت این جوامع را می‌توان با این واقعیت توضیح داد که این برنامه‌ها شیوه سازماندهی جنسی و طبقاتی این جوامع یا ساختارهای موجد فقر را زیر سؤال نمی‌برند. این برنامه‌های مالی خرد فی‌نفسه سیاستی رادیکال برای توزیع ارائه نمی‌کنند یا الگوهای انباشت را تغییر نمی‌دهند.

۷. کارگران توسعه و کلیه کارکنان نهاد باید نسبت به مسائل زنان تهیدست بیش از امور مربوط به سازمان حساس باشند. برنامه‌های مالی خرد در صورتی می‌توانند دارای رویکردهای خلاق باشند که کسانی که با قشرهای آسیب‌پذیر سروکار دارند، صمیمانه به نیازهای آنان بپردازند. برنامه برابری جنسی باید به دانش پژوهان توسعه خاطرنشان کند که تغییرات زمانی تأثیر بیشتری خواهند داشت که از پائین به بالا صورت گیرند.

این کتاب حلقه تقریباً فراموش شده‌ای را وارد مبحث توسعه می‌کند:

کارگران توسعه و نقش آنها در تغییر دادن وضع موجود در مناسبات جنسی. اما کارگران توسعه را نمی‌توان جدا از سازمانهایی که در آن کار می‌کنند در نظر گرفت. برعکس، نویسندگان رابطه قوی میان ساختارهای سازمانی، تعصبات جنسی نهادینه شده و نحوه اجرای سیاستهای مذکور توسط کارگران توسعه را که تعصبات خاص خودشان را دارند، نشان می‌دهد.

پی‌نوشت:

* Alfonso Castillo

هدف این کتاب تحلیل دنیای کارگران توسعه در دو سازمان بزرگ در بنگلادش است: BRAC (بزرگترین سازمان غیردولتی توسعه در جهان) و هیئت توسعه روستایی بنگلادش (به ویژه توسعه روستایی - ۱۲ برنامه‌های).

کارگران بخش توسعه عنصری مهم در استراتژی فقرزدایی‌اند، اما تقریباً هیچ توجهی به آنان نشده است. در حقیقت، آنها آخرین حلقه در زنجیره استراتژیهای مربوط به سیاستهای خاص توسعه‌اند.

کانون توجه این پژوهش بسیار کیفی، برابری جنسی و نقشی است که کارگران توسعه در ترویج آن در میان خانواده‌های فقیر، به ویژه زنان ایفا می‌کنند. نویسنده، این دو سازمان (یعنی یک سازمان غیردولتی و یک مؤسسه دولتی) را به این منظور انتخاب کرده است که بررسی کند این کارگران، به ویژه دست اندرکاران در فعالیتهای دارای اعتبار خرد، چگونه فرهنگ جنسی را در میان تهیدستان شکل می‌دهند، بازسازی می‌کند و زیر سؤال می‌برند.

این کتاب که به هفت فصل تقسیم شده است، یک سؤال اساسی را مطرح می‌کند و آن اینکه توسعه به نفع چه کسانی است؟ کتاب موضوعات دیگری را نیز در برمی‌گیرد، از آن جمله بافت کاربستهای توسعه در برنامه‌های اعتباری، تصویر زنان عامل در بخش توسعه و نقش آنها در تعیین نتایج، نقش سازمانی که آنان برای آن کار می‌کنند و تحول نهادی و حکومت.

نویسنده چند یافته را ارائه می‌دهد که سوالات مهمی را نه تنها در مورد برابری جنسی بلکه درباره موضوعاتی به مراتب گسترده‌تر برای سازمانهای توسعه مطرح می‌سازد. این یافته‌ها عبارت‌اند از:

۱. رویکردهای جدید به توسعه منحصر به سازمانهای غیردولتی نیست و بعضی از مؤسسات دولتی نیز پویایی و قابلیت بالایی در تجربه و درس‌آموزی از فعالیتهایشان بروز می‌دهند.

۲. تمایزی وجود دارد میان کسانی که تحولات سیاست‌گذاریها (به ویژه با توجه به نابرابری جنسی) را طراحی، تحلیل، نقد و ترویج می‌کنند و عرصه اجرا یعنی جایی که کارگران توسعه به انجام وظایف روزانه خود مشغول‌اند.

تغییر و تحول در مناسبات جنسی به این معنا است که نه تنها «دیگران»، «غیر دست اندرکاران» و «تهیدستان»، بلکه سیاست‌گذاران، کارکنان نهادها و کارگران توسعه نیز در این تغییرات شرکت کنند. این آخرین حلقه زنجیر در یک ارتباط نهادینه پیچیده است که تقریباً به منزله عاملی مهم در تغییر رفتاری به فراموشی سپرده شده است.

۳. شیوه ارتباط مردان و زنان کارگر توسعه با تهیدستان می‌تواند تفاوت قابل